

اعوذ بالله من الشيطان الرجيم بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَنَا مِنَ الْمُتَمَسِّكِينَ بِوَلَايَةِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْأَيْمَةِ الْمُعْصومِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ

فقره یازدهم از دعای ندبه را در ادامه آن مسیری که ما را به امام زمان عجل الله فرجه برساند و در واقع به گم شده غدیر برساند و آن کسی که می آید و غدیر را علیرغم همه مظلومیت ها و همه آن چه درباره نابودی به کار گرفته شده، دوباره زنده کند و نه زنده کند که در سطح جهانی آن را پیاده کند.

در این مسیر، به فقره یازدهم رسیدیم. در این فقره می رسد به این که ما باید در جستجوی آن یادگار غدیر باشیم. یعنی مسئله این است که چرا ما صبح به صبح جمعه می آییم دعای ندبه می خوانیم؟ برای این که می خواهیم بگوییم ما غدیر را رها نکردیم. ما همچنان منتظریم غدیر پیاده شود. ما همچنان منتظریم وعده ای که پیامبر ص داده بود، کی می خواهد اجرا شود. «لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى؟» نکته: معنای آن، این نیست که ما کوچه به کوچه دنبال امام زمان عجل الله فرجه بگردیم، نه، این «آینها» که این جا گفته می شود و دنبال امام زمان عجل الله فرجه می گردد، می گویند آقا برای سلامتی امام زمان عجل الله فرجه دعا کنید. این اشکال معروف است. می گویند: خدا گفته من امام زمان عجل الله فرجه را خودم نگه می دارم. برای چه می خواهی دعا کنی؟ کسی که خدا خودش وعده آمدن او را می دهد، لابد او را هم حفظ می کند. حالا شما جوش چه را می خورید؟ دائم می گویند خدایا! امام زمان عجل الله فرجه را حفظ کن. چه جواب می دهند؟ در **مکیال المکارم** مفصل در فواید دعا برای امام زمان عجل الله فرجه می فرماید: اصلا این علامت است که شما باطن خودت را به امام زمان عجل الله فرجه نشان می دهی که من منتظرم.

وقتی شما دعا می کنید، شما برای فرزندت دقیقه ای یک بار می گویی قربانت بروم الهی! این قربانت بروم، یعنی چه؟ یعنی همه می فهمند که این بچه خود را خیلی دوست دارد. حالا مفهوم قربانت بروم جدا، اما حالا یک کسی خیلی سفت با بچه اش برخورد می کند. هر کس ببیند، می گوید این انگار بچه خود را خیلی دوست ندارد. مثل این که سر به راه نیست، اما اگر کسی قربان صدقه بچه خود می رود، همه می فهمند که بچه اش را خیلی دوست دارد. این اقل چیزی است که استفاده می شود. ما وقتی برای امام زمان عجل الله فرجه دعا می کنیم، یعنی به همه عالم نشان می دهیم و در قلب خودمان هم یاد امام زمان عجل الله فرجه دائم زنده نگه می داریم. می گوییم این از خاطر من فراموش شدنی نیست.

می گویند دعا انشاء است، دعا خبر نیست. می خواهیم بگوییم من الان یاد امام زمان عجل الله فرجه افتادم. ای خدا؛ عزیز دل ما، امام زمان عجل الله فرجه را حفظ بفرما. این از درون آدم باید برخیزد. یعنی ما آن انشاء و حالت درونی مان را با این کلمه اظهار می کنیم. «لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى؟» یعنی ما ول کن غدیر نیستیم. ما در به در دنبال غدیر و صاحب غدیر هستیم. هر روز صبح که بلند می شویم، می گوییم: این غدیر که بالاخره می آید. پس چرا دیر شد؟ پس چرا نیامد؟ اما می آید، حتما می آید و مطمئنیم یک روزی طوری غدیر دنیا را می گیرد که کیف دل ما نشان خودش را نشان می دهد و ما منتظر آن روز هستیم و مطمئن که پیش خواهد آمد. خب آن حس را داشته باش و با همین حس برو به دنبال امام عصر عجل الله فرجه. می آید، خیلی عاجزانه می گوید: آقا جانم «لَيْتَ شِعْرِي أَيْنَ اسْتَقَرَّتْ بِكَ النَّوَى» ای کاش می دانستم، یعنی می دانم که می شود. اما ای کاش وقتش را می دانستم. ای کاش می دانستم چه وقت این جگر ما حال می آید؟ ای کاش می دانستم چه وقت زحمات پیغمبر اکرم ص چه وقت به کرسی می نشیند؟ چه وقت بشود که همه ببینند حرف حق همانی

بود که پیامبر اکرم ﷺ گفت و تمام این ها باطل بودند؟ کیف دارد یا نه؟ خیلی کیف دارد. «لَيْتَ شِعْرِي أَتَيْنَ اسْتَقْرَزْتُ بِكَ النَّوَى» ای یادگار غدیر؛ پس کجایی؟ این همه زمین ولی ما تو را نمی یابیم! «بَلْ أَىْ أَرْضٍ تَقْلُكُ أَوْ تَرَى، أَبْرَضَوَى أَوْ غَيْرَهَا أَمْ ذَى طَوَى» تعبیر عوض می شود. «عَزِيْزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَلَا تُرَى» یعنی چه؟ یعنی اگر همه چیز ما غدیر است، ما همه چیز را می بینیم غیر غدیر. خیلی سخت است دیگر، یک نفر می گوید من اول و آخرم بچه ام هست. مغازه ام، باغم، ماشینم همه این ها را از من بگیرد، بچه ام را بدهید. حالا بچه اش را می گیرند، همه این ها را به او می دهند. می گوید نمی خواهیم، بچه ام را به من بدهید. «عَزِيْزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ» ما شخص امام زمان ﷺ را بر اساس غدیر داریم می گوئیم. می گوید من می خواهیم غدیر را ببینم. می خواهیم صاحب غدیر را ببینم، «عَزِيْزٌ عَلَيَّ أَنْ أَرَى الْخَلْقَ وَلَا تُرَى» همه را می بینم ولی تو را نمی بینم، «وَلَا أَسْمَعُ لَكَ حَسِيْسًا وَلَا نَجْوَى» این عمق محبت به غدیر است. آقا جان؛ یک صدای کوچک هم از شما نمی آید. «وَلَا أَسْمَعُ لَكَ حَسِيْسًا وَلَا نَجْوَى» یک حرف در گوشه هم از شما به گوشمان نمی رسد! «عَزِيْزٌ عَلَيَّ أَنْ تُحِيْطَ بِكَ دُوْنِي الْبَلْوَى» من نباشم از شما دفاع کنم و این همه ناراحتی به سر شما فرود آید، به من خیلی سخت می گذرد.

این غدیر عزیز ما، این یادگار غدیر، این همه مصائب دنیا بسرش می ریزد که اگر غدیر اجرا شده بود، آنقدر خون به دل امام زمان ﷺ نمی ریخت.

همان خون دل ها را من ناراحتم. من می گویم «عَزِيْزٌ عَلَيَّ وَ لَا يَنَالُكَ مِنِّي صَحِيْحٌ وَ لَا سَكْوَى» هر جوری هم ناله می زنم، حس می کنم می شنود. من از ناراحتی می گویم، حس می کنم که نمی شنود. حس می کنم صدای من به شما نمی رسد. باز تعبیر عوض می شود. از عزیز علی، می رود به نفسی أنت. به نفسی أنت دیگر آن آخرین حالی است که اگر امام زمان ﷺ بود، خودم را روی پاهایش می انداختم. دست هایم را دور پاهایش می گرفتم و داد می زدم آقا تو را به خدا مرا ول نکن. آقا به دادم برس. «بِنَفْسِي أَنْتَ». قربانت بروم الهی. «مِنْ مَعْبِي لَمْ يَخْلُ مَنَّا». وسط ما هستی ولی غایبی، ما اینطور خودمان را برای غدیر می کشیم، صاحبش را نمی بینیم. خیلی سخت است. «بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ نَارِحِ مَا نَزَحَ عَنَّا» یک کسی است که از بین ما بیرون رفته ولی در بین ما است. جوری کرده اند که در حالی که بین ماست ولی نمی توانیم ببینیم.

«بِنَفْسِي أَنْتَ أَمْنِيَّةٌ شَائِقِي يَتَمَنَّى مِنْ مُؤْمِنٍ وَ مُؤْمِنَةٍ» همه مؤمنین، همه مؤمنات، منتظر تو هستند. آرزویشان است یک بار تو را ببینند. شما واقعا در عمرتان این فکر را کردید که ای کاش ما یک بار در عمرمان امیرالمؤمنین ﷺ را می دیدیم. یک بار پیغمبر ﷺ را می دیدیم. این ها جمال ماهی هستند که همان دیدن خالی آن ها، نور به قلب آدم می بارد. آخر همه را ببینیم و اما ایشان را نبینیم و محروم باشیم. «بِنَفْسِي أَنْتَ مِنْ عَقِيْدِ عَزْ لَا يُسَامَى» دیگر تا آخر.

فقره به اصطلاح دوازدهم؛ حالا باید دیگر غصه بخوریم. حالا موقع این است که توی سرمان بزنیم. روایت این است خاک توی سرمان بریزیم. «إِلَى مَتَى أَحَارَ فَيْكُ» ای غدیر جانم؛ آخر تا کی دیگر؟ ما تا چه وقت باید متحیر بمانیم؟ تا چه زمان باید ندانیم چکار کنیم؟ «يَا مَوْلَايَ وَ أَيْ خَطَابِ أَصِفُ فَيْكُ» من چگونه با غدیر زیبای خودم حرف بزنم؟ با عزیز دلم چه مدلی باید صحبت کنم؟ «عَزِيْزٌ عَلَيَّ أَنْ أُجَابَ دُونَكَ وَ أَنْأَعِي» وقتی صدا می زنم، همه جواب من را می دهند، غیر از تو! یعنی ای غدیر جلو نمی روی. «عَزِيْزٌ عَلَيَّ أَنْ أَبْكِيكَ» من به حال تو اشک بریزم اما روزگار نگذارد. «و وَيَخَذُكَ الْوَرَى» «عَزِيْزٌ عَلَيَّ أَنْ يَجْرِي عَلَيْكَ دُونَهُمْ مَا جَرَى» بین چقدر تعبیر ادبی است. «هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَأَطِيْلَ مَعَهُ الْعَوِيْلَ وَ الْبُكَاءَ»

آهای غدیری ها! بیاید جمع شویم، بر سرمان بزنیم. بیایید، غدیر از دست رفت. بیایید، نمی گذارند غدیر بیاید.

بیایید، بی غدیر شدیم. «هَلْ مِنْ مُعِينٍ فَأَطِيْلَ مَعَهُ الْعَوِيْلَ وَ الْبُكَاءَ» کسی هست، بیاید با هم به این مصیبت گریه کنیم؟ «هَلْ مِنْ جُرُوعٍ فَأَسَاعِدَ جَزَعَهُ إِذَا خَلَا». بیایید، داد بزنیم. «هَلْ قَدِيْتُ عَيْنٍ فَسَاعَدْتُهَا عَيْنِي عَلَى الْقَدَى هَلْ إِلَيْكَ يَا ابْنَ أَحْمَدَ سَبِيْلٌ فَتُلْقَى»

می دانید معنای این یعنی چه؟ یک آدمی که ناامید می شود، می گوید من راضی هستم، یکبار بچه ام را به من نشان بده. آقاجان «هَلْ إِيَّاكَ سَبِيلٌ» می شود یک دفعه او را ببینیم؟

آخر ما یک عمر گفتیم غدیر، حیف نیست از این دنیا برویم یک بار چشمانمان نماینده غدیر، صاحب غدیر، وارث غدیر را نبیند؟ مدام غدیر، غدیر پس چه شد؟ جا دارد دشمنان ما بگویند پس این آقای شما کجا است؟ آن قدر غدیر غدیر می کنید. ما اعتقادمان تکان نمی خورد اما آن ملامت دشمن خیلی سخت است. «هَلْ إِيَّاكَ يَا ابْنَ أَحْمَدَ سَبِيلٌ فَتُلْقَى هَلْ يَتَّصِلُ يَوْمَنَا مِنْكَ بَعْدَهُ بِغَدِهِ» فَتَحْطَى ما هم به یک چیزی از غدیر برسیم. ما آن روز شیرین غدیر را ببینیم! «مَتَى نَرِدُ مَنَا هَلْكَ الرَّوِيَّةُ» به به! چه می شود تو بیایی. «مَنَا هَلْكَ الرَّوِيَّةُ» سرچشمه ها را مناهل می گویند. سرچشمه های سیراب کننده، تو بیایی، اصلا دنیا از این رو به آن رو می شود. «مَتَى نَنْتَفِعُ مِنْ عَدَبِ مَا نِكَ فَتَدَّ طَالَ الصَّدَى» چه وقت تا حالا منتظریم؟ چقدر انتظار کشیدیم؟ چه زمانی می شود تشریف بیاورید. «مَتَى نُعَادِيكَ وَنُرَاوِحُكَ»

این قسمت دیگر آدم را می سوزاند. خدایا چه وقت می شود صبح بلند شویم، ببینیم غدیر سفره اش پهن است؟ شب می خوابیم، ببینیم سفره غدیر پهن است.

«مَتَى نُعَادِيكَ وَنُرَاوِحُكَ» نغادیک یعنی صبح، نراوَحک یعنی فردای آن. یعنی مدام صبح و شب کنیم و مدام ببینیم غدیر، غدیر، غدیر، غدیر، دنیا پر از غدیر.

به به! می گوئیم پس آقاجان چه زمانی می آید که این جور می شود؟ چه وقت میایی ما لذت غدیر را بچشیم؟ «فَتَقَرَّ عَيْوُنُنَا يَا فَنَقَرَّ عَيْنَنَا» آن وقت است که آدم حال می آید، چشمش روشن می شود. «مَتَى تَرَانَا وَتَرَكَ وَ قَدْ نَشَرْتَ لُؤَاءَ النَّصْرِ تُرَى» دیگر این طور با ترس و لرز، نه! این طور تو مخفی باشی، نه!

به به! تو آن وسط ایستادی، پرچم هدایت در دستت، ما هم دور تو می چرخیم. به به! نام غدیر و پرچم غدیر و اسم غدیر، همه غدیر و اندر غدیر می شود. «وَقَدْ نَشَرْتَ لُؤَاءَ النَّصْرِ تُرَى» آقاجان «أَتَرَانَا نَحْفُ بِكَ» یعنی می شود یک روزی هم ما دور تو حلقه زده باشیم «وَأَنْتَ تَوْءَمُ الْمَلَاءِ» ببینیم تو امامت خلق را به دست گرفته ای. «وَقَدْ مَلَأَتِ الْأَرْضَ عَدْلًا» به به! چه کسی این دنیا را آرام کرد؟ امام زمان عجل الله تعالی فرجه. بله «أَذَقْتَ أَعْدَائِكَ هَوَانًا وَعِقَابًا» زهر را به دشمنان غدیر بچشانی و «أَبْرَتِ الْعُتَاتِ وَ جَحَدَتِ الْحَقُّ وَ قَطَعَتِ دَابِرَ الْمُتَكَبِّرِينَ» ریشه آن ها را بکنی «وَأَجْتَنَّتْ أَصُولَ الظَّالِمِينَ» آن موقع ما چه می گوئیم؟ «وَنَحْنُ نَقُولُ الْحَمْدُ لِلَّهِ» آدم بر سر یک لقمه غذایی که می خورد، می گوید الحمدالله. فرش می خرد، ماشینی می خرد، الحمدالله می گوید. این ها کجا و امام زمان عجل الله تعالی فرجه آمده و غدیر آمده و آن کسی که یک عمر سینه می زد، آمده. آن موقع هم یک جور دیگر می گوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» آخیش! آخرش غدیر شد. آخر غدیر دنیا را گرفت. آن کسی که حق بود، آخر خودش را به دنیا نشان داد و آن کسانی که دشمن غدیر بودند، له شدند و دیگر نیستند که بخواهند سر بلند کنند. این هم یک فقره. بعد از آن دیگر دست التماس غدیر هست به سوی پروردگار، که در واقع ما می گوئیم خدایا ما دیگر گریه ها و التماس هایمان و درد دل هایمان را با صاحب غدیر کردیم، حالا «اللَّهُمَّ أَنْتَ كَشَافُ الْكُرْبِ وَ الْبَلْوَى» ساده اش این است که خدایا دستم به دامن خدایا خودت یک فکری به حال ما کن و «وَ الْيَكُ اسْتَعْدَى» تا آنجا که می گوید «فَاعِثْ يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ» ای پناه ما که پناه آوردیم، از تو غدیر می خواهیم. از تو چه می خواهیم؟ پروردگارا «وَأَرِهْ سَيِّدُهُ» این غدیر و صاحب غدیر را به ما نشان بده. یا «شَدِيدِ الْقُوَى» این دل ما را راحت کن «وَ بَرِّدْ قَلْبِي لَهُ» آدم بر سر یک چیزی می دود و می دود و می دود. هر قدمی که می دود و سختی می کشد، می گوید یک روزی به آن می رسم و جگرم حال می آید. خدایا ما خیلی دنبال غدیر دودیدیم. در عاشورا هم که سینه می زنی، برای ذبح غدیر سینه می زنی. این دل ها را کمی شاد کن. امام زمان عجل الله تعالی فرجه بیاید و ما «بَرِّدْ قَلْبِي لَهُ» این تشنگی ما تبدیل به خنکی بشود ...

«اللَّهُمَّ وَ نَحْنُ عِبِيدُكَ التَّائِبُونَ إِلَيْ وَ لِيكَ» خدایا خودت می دانی که ما عاشق صاحب غدیر هستیم. پروردگارا «وَأَقَمْتَهُ لَنَا قِيَامًا وَ مَعَاذًا وَ جَعَلْتَهُ لِلْمُؤْمِنِينَ مَنًّا إِمَامًا» بر اساس غدیر «فَبَلِّغْهُمْ» این یک شکست دیگر است. یک پله عقب نشینی می کنیم، خدایا نمی خواهی نشانمان بدهی؟

«فَبَلِّغْهُ مِنَّا تَحِيَّهً وَ سَلَامًا» آئی غدیر؛ هر کجا که هستی، برای تو یک سلام می فرستیم. همان سلام برسد، این ارتباط ما وصل می شود. ای صاحب غدیر؛ هر کجا که هستی، خدایا سلام ما را به او برسان. بگو چند نفر غدیری جمع شده بودند، به تو که صاحب و وارث غدیر هستی، سلام رساندند. «فَبَلِّغْهُ مِنَّا تَحِيَّهً وَ سَلَامًا زِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبِّ إِكْرَامًا» معنی آن چیست؟ خدایا منت سر ما بگذار، این سلام ما را به امام زمان عجل الله تعالی فرجه برسان. «زِدْنَا بِذَلِكَ يَا رَبِّ إِكْرَامًا وَ أَتَمِّمْ نِعْمَتَكَ بِتَقْدِيمِكَ إِيَّاهُ أَمَامَنَا» خدایا به فکر ما باش. بلاخره یک روزی این آقا را به ما برسان.

«حَتَّى تُوْرِدَنَا جِنَانِكَ وَ مَرَافَقَهُ الشَّهْدَاءِ مِنْ خُلَصَائِكَ»

فقره چهاردهم: قشنگ کرسی را پهن کرد، سفره را پهن کرد، ناله هایش را زد همه رقم. دیگر ختم کلام می خواهد سفره اش را جمع کند، می خواهد بگوید خدایا من همه جوهره درباره غدیر حرف زدم، آخرش هم قانع شدم که یک سلام از من به صاحب غدیر برسانی. غدیر تمام شد. حالا شروع کن اول به صاحب غدیر، به مبلغ غدیر سلام هایش را برسان.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَي حُجَبَتِكَ وَ وُلِيِّ أَمْرِكَ» که صاحب غدیر است. «وَصَلِّ عَلَي جَدِّهِ وَصَلِّ وَ عَلَي أَبِيهِ» مواردی را که به صاحبان غدیر برمی گردد. «اللَّهُمَّ وَ أَقِمْ بِهِ الْحَقَّ» خدایا مرد و مردانه ایستادیم. با این همه مظلومیت، مطمئن هستیم یک روز غدیر می آید کار خودش را می کند. خدایا «وَ أَقِمْ بِهِ الْحَقَّ» به وسیله آقا امام زمان عجل الله تعالی فرجه و صاحب غدیر، پروردگارا حق را برپا کن. «وَ أَذْخِضْ بِهِ الْبَاطِلَ» باطل را له کن و «وَ أَدِلْ بِهِ أَوْلِيَاءَكَ» «وَ أَذِلْ بِهِ أَعْدَائِكَ» این هم تا اینجا «وَ وَصِلِ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ وَصْلَةً» این از همان سلام هم پایین تر است. شما یک کسی را می فرستید، می گوید سلام مرا به فلانی برسان. این هم واسطه است. ما می گوئیم خدایا سلام برسان. حالا یک پله پایین می آید. خدایا بین ما و صاحب غدیر اتصالی درست کن که انتهای آن به بهشت برسد. حالا این اتصال، ولو این باشد که صبح جمعه بیایم دعای ندبه بخوانیم، همین باشد که به مسجد جمکران برویم. همین باشد که هر وقت زیارت یا نماز می خوانیم، برای فرج او دعا کنیم. همین هم زنده کردن غدیر است. ادامه آن چه می گوید:

«وَ وَصِلِ اللَّهُمَّ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ، وَ وُصْلَةً تُؤَدِّي إِلَي مَرَافَقَةِ سَلَفِهِ وَاجْعَلْنَا مِمَّنْ يَأْخُذُ بِحُجْرَتِهِمْ» دو دستی به دامانشان می چسبم «وَ يَمْكُتُ فِي ظِلِّهِمْ» چه می گویند؟ در آخر درباره اصحاب آقا امام حسین عجل الله تعالی فرجه چه می گوئیم؟ می گوئیم که اصحاب امام حسین عجل الله تعالی فرجه «الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ» فنا پشت در خانه را می گویند، طرف کوچه را فنا می گویند. درباره اصحاب امام حسین عجل الله تعالی فرجه این تعبیر قشنگ را خدا و اهل بیت عجل الله تعالی فرجه به ما یاد دادند. فرمودند اصحاب امام حسین عجل الله تعالی فرجه کسانی بودند که آمدند پشت در خانه امام حسین عجل الله تعالی فرجه نشستند. گفتند ما از این جا برو نیستیم. «حَلَّتْ بِفِنَائِكَ» یکی می آید پشت در خانه مثلا در می زند. می گوید آقا نیستند، نه، آقا پول نداریم برای فقیر بدهیم، برو. می رود. می گوید اصلا نمی دهی؟ حالا می بینی پشت در می نشیند. من که از این جا برو، نیستیم. حالا هر کاری می خواهی بکنی، بکن. بیا با چوب بزن به سرم. من که از این جا نمی روم. اصحاب امام حسین عجل الله تعالی فرجه این گونه بودند. که آقا فرمود: بلند شوید، بروید. گفتند آقا کجا برویم؟ شما را تنها بگذاریم؟ اصلا جایی نیست ما برویم. نمی رویم. عجب تابلویی خدا به آن ها داده. «حَلَّتْ بِفِنَائِكَ» آمدند، صاف خودشان را انداختند پشت در خانه امام حسین عجل الله تعالی فرجه، گفتند ما برو نیستیم. حالا این جا چه می گوید؟ می فرماید: ما را از کسانی قرار بده که «وَ يَمْكُتُ فِي ظِلِّهِمْ» آمدیم در سایه تو، امام زمان عجل الله تعالی فرجه نشستیم. ما از این جا بلند بشو نیستیم. «يَمْكُتُ» یعنی مکث و توقف کردند «وَ أَعِنَّا عَلَي تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ»

ای خدا! غدیر خیلی گردن ما حق دارد. هر قدر هم زحمت بکشیم، کم است.

«وَأَعِنَّا» و کمک مان کن. «عَلَى تَأْدِيَةِ حُقُوقِهِ إِلَيْهِ» حقی را ادا کنیم، حق امامان را ادا کنیم. «وَالْاجْتِهَادِ فِي طَاعَتِهِ وَاجْتِنَابِ مَعْصِيَتِهِ وَامْتِنُ عَلَيْنَا بِرِضَاةٍ» به! اگر غدیر و صاحب غدیر از ما راضی شوند، دیگر روی این حرف، حرفی نیست. بالاتر از این دیگر چیزی وجود ندارد.

«وَأَمْتِنُ عَلَيْنَا بِرِضَاةٍ» ای خدا؛ بر سر ما منت بگذار. یک جور باشیم، آقا هم تخفیف هایی به ما بدهد. روی هم رفته آقا از ما راضی باشد. «وَهَبْ لَنَا رَأْفَتَهُ وَرَحْمَتَهُ» آقا که به ما سخت نگرفته و نمی گیرد. با آن نگاه رحمتش به ما نگاه کند. «وَدُعَاؤُهُ وَخَيْرُهُ» دست بلند کند، برای ما دعا کند. «مَا نُنَالُ بِهِ سَعَةً مِنْ رَحْمَتِكَ» با آن دعای امام زمان عجل الله تعالی فرجه رحمت به سر ما ببارد. این ها برکات آن غدیر است که دورا دور از غدیر بناست به ما برسد. حالا اگر خود غدیر بود، ما پیش امام زمان عجل الله تعالی فرجه بودیم، چه می شد؟

فقره هفدهم: آخرین فقره است. می گوید: خدایا من اصلا اعتقاد این است که اگر در خانه خدا یک ریال، دو ریال هم نوشتی، به برکت همین آقاست. این را برداری، پرونده من خالی می شود. هیچ چیز در آن نیست. «وَأَجْعَلْ صَلَاتِنَا بِهِ مَقْبُولَةً» بالاخره و بی تعارف یکی از سرمایه های ما نماز است. حالا هر قدر هم سطح نمازمان پایین باشد، بالاخره در خانه خدا می گوییم ما آمدیم نمازی خواندیم، صبح، ظهر، عصر، مستحبی «وَأَجْعَلْ صَلَاتِنَا بِهِ مَقْبُولَةً» می گوید: با مهر امام حسین علیه السلام بخوانی، «يَخْرُقُ الْحُجْبَ السَّبْعَ» حجب السبع را پاره می کند و بالا می رود. یعنی چه؟ یعنی اسم غدیر وسط بیاید، خیلی فرق می کند. می فرماید: «وَأَجْعَلْ صَلَاتِنَا» خدایا نمازهای ما درست، اما می دانیم که یک محک، یک عیار و یک کیمیا روی آن بخورد، یک چیز دیگر می شود. نماز ما را با رنگ غدیر، با اسم امام زمان عجل الله تعالی فرجه رنگ آمیزی کن. «وَدُنُوبَنَا بِهِ مَعْفُورَةً» ای خدا؛ بار گناه، اما به حق این آقا تو را قسم بدهیم، گناهان راه امیدی دارد.

«وَدُعَاءَنَا بِهِ مُسْتَجَابًا» خدایا ما در خانه تو حرف داریم، اما از در خانه غدیر و صاحب غدیر به در خانه تو می آییم، مستجاب کن. «وَأَجْعَلْ أَرْزَاقَنَا بِهِ مَبْسُوطَةً» خدایا دیگر مردم دنیا بلند می شوند، صبح تا شب دنبال یک لقمه نان هستند. تعارف که نداریم. همان را حرفمان این شکلی است. ما وقتی غدیر داریم، این طور حرف می زنیم. خدایا به برکت صاحب غدیر روزی ما را زیاد کن، «وَهُمُومَنَا بِهِ مَكْفِيَةً» خدایا مصیبت ها، مشکلات و ناراحتی های ما را کفایت کن. «وَحَوَائِجَنَا بِهِ مَقْضِيَةً وَأَقْبَلْ إِلَيْنَا بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَوْ قَبْلِ تَقَرُّبِنَا إِلَيْكَ» حالا که ما داریم یک ساعت درباره امام زمان عجل الله تعالی فرجه و صاحب غدیر صحبت می کنیم، یک نوع تقرب به درگاه تو است. «انْظُرْ إِلَيْنَا نَظْرَةَ رَحِيمَةٍ نَسْتَكْمِلُ بِهَا الْكِرَامَةَ عِنْدَكَ» تا آخر دعای ندبه، این هم آخرین قسمت از این موارد شش گانه ای که ما به عنوان پشتوانه غدیر و به عنوان مکمل غدیر و به عنوان آن چه که در غدیر فرصتش نشد که گفته شود و به ائمه علیهم السلام هم فرصت آن چنانی ندادند، اما در قالب دعا، در قالب زیارت، همان ها را به ما آموختند و حجت را تمام کردند. صلواتی مرحمت بفرمایید.